

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/28

موضوع: جلوه ای از سجایای اخلاقی - رفتاری حضرت امام سجاد (سلام الله علیه)

ویژه برنامه مصباح الهدی

فهرست مطالب این برنامه:

خاصیت عجیب صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام)

حمله وحشیانه به تراش شیعه و معجزه اهل بیت (علیهم السلام) در حفظ مکتب!

پنجاه میلیون تومان جایزه برای کسی که بتواند این آقا را برای مناظره بیاورد!!

حکایت جالب «ابو مسروق» و راهنمایی خاص امام صادق (سلام الله علیه)

اهتمام ویژه امام زین العابدین نسبت به آموزش دین و پاسخگوئی به شبهات!

جلوه ای از حلم و بردباری امام سجاد (سلام الله علیه) در منابع معتبر اهل سنت!

تماس بینندگان برنامه

استدلال زیبایی یک بیننده در کفویت قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)

محمد بن عبدالوهاب: ما تکفیر مسلمانان را از آیات قرآن یاد گرفتیم!!

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله

الطاهرين

يك بار ديگر گلبن اميد گهر داد

درياي كرامت به بشر باز گهر داد

عشق آمد و با زمزمه شوق و مسرت

تا كوى مدينه به همه بال سفر داد

جبرئيل به آواز جلى گفت: بياييد

كه امشب به حسين بن على دوست پسر داد

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بينندگان عزيز و ارجمند «شبهه جهاني حضرت ولي عصر».

امشب شام ولادت حضرت ابوالفضل العباس و شب ميلاد سيد الساجدين حضرت امام زين العابدين (عليه آلاف التحية و الثناء) را خدمت همه شما تبريك عرض مي‌كنم. ان شاءالله كه اين شب فرخنده بر همه شما محنا باد.

همانطور كه مطلع هستيد، در اين ايام فرخنده و ليالي شيرين، ويژه برنامه زيباي «مصباح الهدى» را تقديم نگاه‌هاي گرم شما مي‌كنيم.

ان شاءالله كه توانسته باشيم رضايت حضرات معصومين را جلب كنيم و ان شاءالله قلب حضرت صديقه كبرى از تمامي شيعيان مسرور باشد.

به همین مناسبت ما این افتخار را داریم در آخرین شب این ویژه برنامه، مهمان حضرت استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم.

ابتدا محضرشان سلام و عرض ادبی داشته باشیم، سپس وارد متن و جریان اصلی برنامه شویم و از محضرشان بیشتر بهره ببریم. سلام عرض می‌کنم و این مناسبت را تبریک می‌گویم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت روزافزون تقدیم می‌کنم.

ميلاد حضرت زين العابدين امام سجاد را به پيشگاه مقدس مولايمن حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه مندان به اهلبيت عصمت و طهارت و شما بينندگان گرامی تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی امام زين العابدين سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولايمن حضرت بقية الله الأعظم قرار بدهد، ان شاءالله.

خاصیت عجیب صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام)

ما طبق روال برنامه قبل از آغاز سخن یادی از حضرت صدیقه طاهره می‌کنیم تا خودمان و شبکه و بینندگان عزیزمان و دین و دنیا و آخرت را بیمه حضرت زهراى مرضیه کنیم، باشد که گوشه چشمی به همه ما داشته باشند. حضرت فاطمه زهرا فرمودند:

«مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ أَوْ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ»

هرکسی بر پدرم یا بر من سه روز صلوات و درود بفرستد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند.

«قُلْتُ لَهَا فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكَ»

راوی می‌پرسد: سلام و درود شما در زمان حیاتتان باشد؟

«قَالَتْ نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا»

حضرت فرمودند: بله؛ در زمان حیات و بعد از وفات ما.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 43،

ص 185، ح 17

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به صراحت فرمودند: اگر بعد از وفات ما کسی سه روز بر ما صلوات بفرستد، خداوند عالم بهشت را بر او واجب می‌کند.

به تعبیر یکی از مراجع و بزرگان اگر ما بخواهیم تمام دعاها را در یک کپسول قرار بدهیم، این کپسول صلوات نام دارد.

ما در روایت داریم تمام کسانی که اهل نماز هستند، اهل تهجد هستند، اهل روزه هستند، اهل حج هستند و زکات می‌دهند همگی فردای قیامت پشیمان هستند.

کسی که اهل نماز بود، وقتی پاداش نماز خواندن را می‌بیند پشیمان است که چرا کم نماز خوانده است. کسانی هم که اهل زکات و صدقه و انفاق بودند، وقتی آثار اعمالشان را می‌بینند تأسف می‌خورند که چرا این کار را کم کرده‌اند.

در مقابل افراد وقتی نوبت به آثار صلوات می‌رسد، خداوند به قدری برایشان نعمت و برکت عنایت کرده است که دیگر جا ندارد آرزو کنند که ای کاش بیشتر صلوات می‌فرستادند.

بنابراین من از عزیزان تقاضا دارم تلاش کنند وقتی پشت فرمان هستند یا به جایی می‌روند در میان راه، صلوات از لب‌هایشان نیفتد.

اگر استغفار می‌خواهید، اگر روزی می‌خواهید، اگر دنیا و آخرت می‌خواهید، اگر مقام می‌خواهید، اگر رفع گرفتاری یا هر چیزی می‌خواهید در صلوات بر محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) خوابیده است. کسانی که آرزوی دیدن جمال نورانی مولایشان حضرت بقية الله الأعظم را دارند، بدانند که نزدیک‌ترین راه صلوات هست و بس! ان شاء الله امیدواریم خداوند عالم ذکر صلوات را از لب‌های ما نگیرد.

مجری:

«اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم».

خیلی ممنون، تشکر می‌کنیم. اگر بخواهیم صلواتی تلفیقی بگوییم، عرضه می‌داریم: «اللهم صل علی فاطمة و أביها و بعلها و بنیها و سّر المستودع فیها بعدد ما أحاط به علمک».

حضرت استاد الحمد لله ما این توفیق را داریم هم شب‌هایی که ویژه برنامه هست و هم شب‌هایی که برنامه «حبل المتین» پخش می‌شود، نسبت به صاحب لیالی و ایام از محضر حضرتعالی بهره مند می‌شویم.

حال با توجه به همین مناسبت می‌خواهیم نسبت به حضرت سید الساجدین مباحث ابتدایی را مطرح کنیم. اگر لطف کنید کارنامه مختصری از حضرت زین العابدین در رابطه با ولادت و ایام امامت و خلفای معاصر حضرت بیان بفرمایید متشکریم.

حمله وحشیانه به تراث شیعه و معجزه اهل بیت (علیهم السلام) در حفظ مکتب!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

در میان ائمه اطهار (عليهم السلام) ما نسبت به اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) حرف زياد می‌زنيم و نسبت به امام حسين (عليه السلام) مطالب زيادی می‌گويم به اين خاطر که دو ماه محرم و صفر فرصت داريم.

منبري‌های ما نسبت به حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هم تا حدودی مطالب زيادی مطرح می‌کنند، اما نسبت به ساير ائمه اطهار خیلی زياد سرمايه گذاری علمی نمی‌کنيم.

بنده به شخصه وحشت دارم اگر فردای قيامت حضرت صديقه طاهره (سلام الله عليها) از ما بازخواست کند. بنده هيچ عذری ندارم، غير از اينکه بگويم: يا فاطمة الزهراء! تو بزرگ و بزرگوار هستی. از بزرگان جز عفو و بخشش انتظاری ديگری نيست.

بنابراين ما قدری بايد تلاش کنيم و به مناسبت‌هایی چندين جلسه در رابطه با زندگانی ائمه اطهار (عليهم السلام) و درس‌های اخلاقی که نسبت به ائمه اطهار داريم صحبت کنيم. به عنوان مثال زندگانی امام صادق (عليه السلام) بسيار پر فراز و نشيب بود.

در رابطه با امام سجاد (عليه السلام) همه ما می‌دانيم که شب پنجم ماه شعبان المعظم به دنيا آمدند. در رابطه با شهادت آن بزرگوار هنوز بزرگان ما به قطعيت نرسيدند که تاريخ دقيق شهادت آن بزرگوار کدام قول است.

طبق آنچه «مرحوم کليني» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 466 دارد، ولادت امام سجاد را قاطعانه پنجم شعبان المعظم ذکر کرده‌اند. در خصوص سال ولادت آن بزرگوار هنوز اختلاف نظر وجود دارد.

در رابطه با شهادت امام سجاد (علیهم السلام) بعضی افراد بر این عقیده هستند که سال 94 هجری بوده است. به عنوان مثال «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «مصباح المتهدج» صفحه 787 می‌نویسد: شهادت امام سجاد سال 94 هجری بوده است.

«مرحوم کفعمی» در کتاب «مصباح» صفحه 675 می‌گوید: شهادت امام سجاد سال 94 هجری بوده است.

در مقابل «مرحوم کلینی» قاطعانه از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که شهادت امام سجاد سال 95 هجری بوده است.

این‌ها مشکلاتی است که ما داریم. آقایان تصور نکنند که بین شیعه در این زمینه اختلاف وجود دارد. معاندین و دشمنان تراث و آثار شیعه را محو کردند. بنده در فرصتی مناسب جنایاتی که بر شیعه در قرن چهارم و پنجم گذشت را بیان خواهم کرد.

«شیخ مفید» متوفای 415 هجری کتابخانه بزرگی داشت. دشمنان کتابخانه ایشان را آتش زدند و به خاکستر مبدل کردند. در نتیجه تمامی آنچه «شیخ مفید» از کتبی که در زمان معصومین نوشته شده بود جمع کرده بود، همگی در آتش سوخت.

در آخر کتاب «وسائل الشیعه» فایده دوازدهم یا چهارهم نقل شده است که در زمان ائمه اطهار شش هزار و ششصد کتاب توسط اصحاب نوشته شده بود. حال اگر کسی پنجاه مورد از این کتاب‌ها را به من نشان دهد، من پنجاه میلیون جایزه به او می‌دهم.

«مرحوم سید مرتضی» متوفای 435 هجری شاگرد «شیخ مفید» شروع به جمع آوری کتب شیعیان و علما کرد و کتابخانه بزرگی تشکیل داد. دشمنان بازهم هجوم بردند و کتابخانه «سید مرتضی» را هم آتش زدند.

بعد از ایشان «شیخ طوسی» متوفای 460 هجری آمد. این علما همگی در یک قرن بودند. «شیخ طوسی» هم تمام تلاش خود را به کار برد و برای جمع آوری کتاب به مسافرت‌های متعددی رفت و در نتیجه کتابخانه بزرگی تشکیل داد.

بعضی افراد نقل کرده‌اند که ایشان در کتابخانه خود نزدیک به هفده هزار جلد کتاب جمع آوری کرد. بازهم دشمنان در سال 450 هجری در بغداد به کتابخانه ایشان هجوم بردند و تمامی کتاب‌ها را آتش زدند.

یکی از بزرگان اهل سنت می‌گوید: اگر فشاری که در تاریخ بر شیعه وارد آمد بر هریک از مذاهب ما می‌آمد، منقرض شده بود و از بین رفته بود به طوری که اسم و آثاری هم از آن باقی نمانده بود.

بعد از آن بزرگان ما نظیر پسر «شیخ طوسی» و «مرحوم سلار» و «ابو الصلاح حلبی» و «محقق حلی» و شاگرد بزرگوارشان «علامه حلی» و «فخر المحققین» آمدند.

این بزرگان تلاش‌های زیادی کردند و کتاب‌هایی که باقی مانده بود را از گوشه و کنار و حتی روستاها جمع آوری کردند و علی‌رغم وجود هزار و یک مشکل آنها را به دست ما برسانند.

بنابراین اگر ما می‌بینیم بعضی اختلافاتی در این قضایا هست، به خاطر این است که این بلاها را بر سر تراث شیعه آوردند.

همانطور که در کربلا خیمه‌های امام حسین را آتش زدند تا آثار نبوت از بین برود، نسبت به کتب شیعه هم این چنین جنایت کردند تا آثار اهل بیت از بین برود. وقتی خداوند عالم اراده کرد تا نور اهل بیت فراگیر و جهانشمول شود، این اقدامات به جایی نخواهد رسید.

(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)

آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند، ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند!

سوره صف (61): آیه 8

این معجزه اهل بیت است که ما الآن با تراثی مواجه هستیم که هیچکدام از اهل سنت این تراث را ندارند. این‌ها جز معجزه اهل بیت (علیهم السلام) چیز دیگری نیست. «شعبی» می‌گوید:

«ما أقول فی حق امریء کتمت مناقبه أولیاؤه خوفاً و أعداؤه حسداً ثم ظهر من بین الکتمانین ما ملأ الخافقین»

دوستان امیرالمؤمنین از ترس و دشمنان حضرت از روی حسد فضائل آن بزرگوار را نقل نکردند، اما فضائل علی بن ابی طالب شرق و غرب عالم را فراگرفته است.

سفینة البحار، نویسنده: قمی، عباس، ج 2، ص 721، باب کلام الخلیل فی علی علیه السلام

این چیزی نیست جز اراده الله و اراده اهل بیت (علیهم السلام).

مجری:

همان کسی که؛

(إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ)

ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم.

سوره کوثر (108): آیه 1

را می‌فرماید همانطور که تمامی اعداء جمع شدند و نتوانستند این نور را خاموش کنند، طبیعتاً این تراث را هم نگه داشتند.

پنجاه میلیون تومان جایزه برای کسی که بتواند این آقا را برای مناظره بیاورد!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

جزاکم الله خیرا. الحق و الانصاف ما معنای (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُؤْتْرَ) را بعد از هزار و چهارصد سال می‌بینیم. به قدری فرهنگ شیعه فرهنگ قوی است که مخالفین ما جرئت مناظره ندارند.

ما بارها گفتیم و الآن هم به شبکه‌های وهابی عرض می‌کنم هرکدام از شخصیت‌های علمی آنها حاضر به مناظره هستند، ما با آنها مناظره می‌کنیم.

بنده چند روز قبل کلیپی از «عقیل بی عقل» دیدم که می‌گفت: "در ایران شیعه‌ها تنها پنج درصد هستند و در حد برادران مسیحی ما هستند." حال مسیحیان برادران این آقا شدند!!

ایشان ادعا می‌کند در ایران تنها پنج درصد شیعه وجود دارد و نود و پنج درصد سنی هستند. ما نمی‌دانیم این افراد خودشان را مسخره می‌کنند یا بینندگانشان را مسخره می‌کنند. اگر برای خودتان ارزش قائل نیستید، برای مخاطبتان احترام قائل شوید.

بنده رسماً اعلام می‌کنم و قبلاً هم بارها گفتم در میان افراد حاضر در «شبکه کلمه» کسی که کمتر از همه هتاکی کرده است، آقای خدمتی است.

بنده برای مناظره شبکه به شبکه آمادگی دارم. هرکسی ایشان را آماده کند، یکی از دوستان ما حاضر است پنجاه میلیون تومان به او جایزه بدهد.

اگر آقای «خدمتی» برای مناظره بیاید، دوست ما پنجاه میلیون تومان جایزه می‌دهد و ما هم جایزه کمتری خواهیم داد. ما حاضریم به این افراد رشوه بدهیم تا برای مناظره بیایند، اما چرا نمی‌آیند؟!

از وهابی‌ها تا کنون «دلیمی»، «دمشقیه»، «عثمان الخمیس» آمدند در حالی که شکست خوردند و پا به فرار گذاشتند.

وهابی‌ها همین چند هفته قبل آقای را آوردند که اصلاً معلوم نیست سواد دارد یا ندارد و ادعا می‌کردند که او با سیصد نفر مناظره کرده است. ایشان آمد و یک سری چرندیاتی بیان کرد، دوستان ما هم به او جواب دادند و او هم دُمش را روی کولش گذاشت فرار کرد!

اگر واقعاً حرف برای گفتن دارید، برای مناظره حاضر شوید. وقتی مردم حرف‌های شما را می‌شنوند، گمان می‌کنند که شاید حرف‌های شما درست باشد. وقتی حرف‌های ما را می‌شنوند، گمان می‌کنند که شاید حرف‌های ما درست باشد.

بهترین راه این است که مناظره شبکه به شبکه داشته باشیم. امروز عصر رسانه و فضای مجازی است. بیایید با هم مناظره کنیم، شما حرفتان را بزنید و ما هم حرفمان را بزنیم.

ما انتظار نداریم شما حرف‌های ما را قبول کنید، زیرا بر این عقیده هستیم که کار شما از این قضایا گذشته است. حداقل مخاطبین شما روشن شوند و بفهمند قضایا از چه قرار است و مسئله اصلی چیست.

این‌ها یک سری برنامه‌هایی است که واقعاً غیر از این به نظر من چیز دیگری نیست. ما بارها گفتیم و باز هم عرض می‌کنیم که هرکسی آماده باشد ما حاضر به مناظره هستیم. از این بهتر بیان کنیم؟!

با وجود مشکلات مالی که امروز در جامعه وجود دارد، گمان می‌کنم پنجاه میلیون تومان پول کمی نباشد.

گرچه این پول خیلی زیاد نیست، اما هرکسی این آقا را آماده کند ما همین جا شماره حساب او را می‌گیریم و جلوی مردم این پول را به حسابش واریز می‌کنیم. مردم باید ببینند که ما داریم راست می‌گوییم.

مجری:

حاج آقا قطعاً این از بزرگواری شماست. بیندگانی که با اصول و آداب مناظره آشنا هستند، می‌دانند که ما هم خودمان بارها و بارها این افراد را به مناسبت‌های گوناگون دعوت کردیم. شیوه مناظرات طوری است که کارشناس با کارشناس مناظره می‌کند.

به عنوان مثال آقای «خدمتی» ادعا دارند که مدیر «شبکه کلمه» هستند و باید با مدیر «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» مناظره کنند.

حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی به عنوان مشرف اعلی در اینجا حضور دارند، طبیعتاً از تواضع ایشان هست زمانی که چنین درخواستی را می‌کنند و بازهم از فلاکت آن افراد است که در مقابل قرار گرفته است اگر این نوع دعوت‌ها را بدون جواب بگذارند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده خیلی رُک بگویم ما خاک زیر پای نوکران و خادمان رسول گرامی اسلام هم نمی‌شویم. وقتی پیغمبر اکرم با آن مقام می‌فرمایند:

(وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)

و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم.

سوره سبأ (34): آیه 24

حکایت جالب «ابو مسروق» و راهنمایی خاص امام صادق (سلام الله علیه)

من احساس می‌کنم تکلیف و وظیفه برای ماست. مردم باید در خصوص افرادی که حاضر به مناظره نیستند، باید مطلبی را بدانند. «ابو مسروق» خدمت امام صادق (علیه السلام) می‌رسد و عرضه می‌دارند:

«إِنَّا نَكَلِّمُ النَّاسَ فَتَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ- أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي أَمْرَاءِ السَّرَايَا»

زمانی که با اهل سنت مناظره می‌کنم و برای حقانیت اهل بیت به آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) استدلال می‌کنم، می‌گویند این آیه در رابطه با امراء است.

«فَتَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ»

زمانی که به آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ) استدلال می‌کنم، می‌گویند این آیه در مورد مؤمنین است.

«وَ نَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ- قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي قُرْبَى الْمُسْلِمِينَ»

زمانی که آیه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) را می‌آورم، می‌گویند در رابطه با بستگان پیغمبر اکرم است.

«قَالَ فَلَمْ أَدْعُ شَيْئًا مِمَّا حَضَرَنِي ذِكْرُهُ مِنْ هَذِهِ وَ شَبَّهَ إِلَّا ذَكَرْتُهُ»

هرچه از آیات حقانیت اهل بیت را ذکر می‌کنم، این افراد آن را توجیح می‌کنند.

«فَقَالَ لِي إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْعُهُمْ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ»

امام صادق فرمود: وقتی اینگونه است این افراد را به مباهله دعوت کن.

«ابومسروق» می‌گوید: بعد از اینکه با اینها مناظره می‌کردم و در مناظره عاجز و ناتوان می‌ماندند، آن‌ها را به مباحله دعوت می‌کردم.

«فَوَاللَّهِ مَا وَجَدْتُ خَلْقًا يَجِئَنِي إِلَيْهِ»

به خدا قسم یک نفرشان حاضر نشد برای مباحله بیاید.

کافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2،

ص 513، ح 1

این روایت صددرصد معتبر است. این قضیه طبیعی است.

اهتمام ویژه امام زین العابدین نسبت به آموزش دین و پاسخگویی به شبهات!

مجری:

حاج آقا حال که به اینجا رسیدیم، حیف می‌آید مطلبی را بیان نکنم. هرچند بحث اصلی زندگی نامه امام سجاد بود، اما اگر همین جا بخواهیم موضوع بحث را به جریان امام زین العابدین متصل کنیم می‌خواهیم ببینیم آیا ایشان هم در باب مناظره فرمایشاتی دارند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال بسیار زیبایی پرسیدید. خداوند به شما جزای خیر عنایت کند. بنده گمان می‌کنم این مطلب را روح الامین بر زبان حضرتعالی جاری کرد.

در کتاب «تفسیر امام حسن عسکری» روایتی از قول امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است. البته

روایت بسیار مفصل است. در روایت آمده است حضرت به یکی از اصحاب فرمودند:

«صَدِيقُ كُلِّمَا رَاكَ اَعْطَاكَ بَدْرَةَ دَنَانِيرٍ، اَوْ صَدِيقُ كُلِّمَا رَاكَ بَصَّرَكَ بِمَصِيْدَةٍ مِّنْ مَّصَايِدِ الشَّيَاطِيْنِ وَ عَرَفَكَ مَا تُبْطِلُ بِهٖ كَيْدَهُمْ، وَ تَخْرُقُ [بِهٖ] شَبَكَتَهُمْ، وَ تَقْطَعُ حَبَائِلَهُمْ»

امام سجاد به مردی فرمودند: کدام یک از این دو را بیشتر دوست داری: دوستی که هربار تو را ببیند کیسه‌ای از طلا به تو بدهد یا دوستی که هربار تو را ببیند تو را با دامی از دام‌های شیطان آشنا سازد و یاد دهد چگونه کید آنها را باطل کنی و کمندشان را پاره کنی؟

حضرت در ادامه سؤالی مطرح می‌کنند و می‌فرمایند:

«فَأَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ:

کدام یک را بیشتر دوست داری:

«اسْتِنْقَاذُكَ اَسِيْرًا مَسْكِيْنًا مِّنْ اَيْدِي الْاَكْفَرِيْنَ»

نجات دادن مسلمان درمانده‌ای که در دست کفار اسیر شده است.

مشخص است مسلمانی که در دست کفار اسیر باشد، چه بلاهایی بر سر او می‌آورند. این شخص دیگر نه می‌تواند نماز بخواند و نه می‌تواند روزه بگیرد. اصلاً او هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد.

«أَوْ اسْتِنْقَاذُكَ اَسِيْرًا مَسْكِيْنًا مِّنْ اَيْدِي النَّاصِبِيْنَ»

یا نجات دادن مسلمان درمانده‌ای که در دست نواصب اسیر شده است.

«قَالَ: يَا اِبْنَ رَسُوْلِ اللهِ، سَلِ اللهُ اَنْ يُّوَفَّقَنِي لِلصَّوَابِ فِي الْجَوَابِ»

راوی عرضه داشت: یا بن رسول الله! از خداوند بخواه تا من جواب درستی بدهم.

این شخص خود نمی‌توانست جواب درست را بگوید، زیرا واقعاً سخت است. مسلمانی در دست کافر اسیر است. تصور این قضیه هم برای ما امکان پذیر نیست، حال معلوم نیست خود این شخص چه حالی دارد.

مجری:

یکی از مسلم‌ترین مسلمات هر مسلمانی این است که حفظ جان مسلم واجب است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. اصلاً حفظ جان‌ش هم نباشد، ملاحظه کنید اگر بخواید «یا الله» بگویید یا وضو بگیرید و نماز بخواند با مشکل مواجه می‌شود. چه بسا اصلاً این شخص را نابود کنند.

راوی در جواب معطل مانده بود که آیا این شخص را از چنگال کفار نجات دهد یا مسلمانی را نجات دهد که در جایی گرفتار شبهات شده است.

«قَالَ ع: اللَّهُمَّ وَفِّقْهُ»

امام سجاد فرمود: خدایا به او چنین توفیقی را بده.

«قَالَ: بَلِ اسْتِنْقَاضِي الْمَسْكِينِ الْأَسِيرِ مَنِدِ النَّاصِبِ»

راوی گفت: نجات دادن آن اسیر درمانده در دست ناصبی.

«فَإِنَّهُ تَوْفِيرُ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ، وَانْقَاضُهُ مِنَ النَّارِ، وَ ذَلِكَ تَوْفِيرُ الرُّوحِ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا، وَ دَفْعُ الظُّلْمِ عَنْهُ فِيهَا»

زیرا در این کار ارزانی داشتن بهشت بر او و نجاتش از آتش جهنم است و آن یکی ارزانی داشتن راحتی در دنیا و دفع ظلم از او در دنیاست.

«وَ اللَّهُ يَعْوِضُ هَذَا الْمَظْلُومَ بِأَضْعَافٍ مَا لَحِقَهُ مِنَ الظُّلْمِ، وَ يَنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِ بِمَا هُوَ عَادِلٌ بِحُكْمِهِ»

و خداوند برای این مظلوم چند برابر ظلمی که از آن ظالم به او رسیده را در قیامت جبران خواهد کرد و از آن ظالم با عدل خویش انتقام خواهد گرفت.

«قَالَ ع: وَفُتَّ لِلَّهِ أَبُوكَ! أَخَذَتْهُ مِنْ جَوْفِ صَدْرِي- لَمْ تَجْزِمِ مِمَّا قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص حَزْفاً وَاجِداً»

امام سجاد فرمود: خداوند نهایت توفیق را به تو داد! این را از ته دل من گرفتی، مطلبی که حتی یک حرف آن با آنچه رسول الله فرموده مو نمی‌زند.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، نویسنده: حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ص 348، ح 232

این تعبیر بسیار زیباست!

مجری:

این شخص در دو راهی مانده است تا با نجات دادن مسلمان درمانده در دست نواصب یک زندگی جاودانه را برای او تضمین کند یا با نجات دادن مسلمان درمانده در دست کفار یک زندگی زودگذر و موقت را برای او تضمین کند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

روایت دیگری هم از قول امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل شده است که بسیار زیباست. بنده هرگاه این روایت را می‌خوانم لذت می‌برم. حضرت می‌فرمایند:

«إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِرَجُلٍ يَزْعُمُ أَنَّهُ قَاتِلُ أَبِيهِ»

مردی خدمت امام سجاد رسید و عرضه داشت: یابن رسول الله! گمان می‌کنم این شخص پدرم را به قتل رسانده است.

«فَاعْتَرَفَ فَأَوْجَبَ عَلَيْهِ الْقِصَاصَ وَ سَأَلَهُ أَنْ يَغْفُوَ عَنْهُ لِيَعْظِمَ اللَّهُ تَوَابَهُ»

امام زین العابدین از متهم حقیقت را پرسید و آن مرد هم اعتراف به قتل نمود. امام ابتدا حکم به قصاص داد، اما از فرزند مقتول درخواست بخشش نمود تا خداوند پاداش بزرگی به او دهد.

«فَكَانَ نَفْسَهُ لَمْ تَطِبْ بِذَلِكَ»

ظاهراً فرزند مقتول به عفو راضی نبود.

«فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ لِلْمُدَّعِي الدَّمِ الَّذِي هُوَ الْوَلِيُّ الْمُسْتَحِقُّ لِلْقِصَاصِ إِنْ كُنْتَ تَذَكُرُ لِهَذَا الرَّجُلِ عَلَيَّ فَضْلاً فَهَبْ لَهُ هَذِهِ الْجَنَایَةَ وَ اغْفِرْ لَهُ هَذَا الذَّنْبَ»

امام سجاد فرمود: اگر به یاد می‌آوری که این مرد بر تو حقی دارد، پس به جهت آن حق این جنایت را بر وی ببخش و به خاطر این گناه از خدا برایش طلب بخشش کن.

«قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَهُ عَلَى حَقٍّ وَ لَكِنْ لَمْ يَبْلُغْ بِهِ أَنْ أَعْفُوَ لَهُ عَنْ قَتْلِ وَالِدِي»

مرد گفت: ای فرزند رسول خدا! او بر من حق دارد، اما آن قدر نیست که به خاطر آن او را عفو نمایم و از خون پدرم بگذرم.

«قَالَ فَتُرِيدُ مَا ذَا؟»

امام سجاد فرمود: می‌خواهی چکار کنی؟

«قَالَ أُرِيدُ الْقَوَدَ فَإِنْ أَرَادَ لِحَقِّهِ عَلَيَّ أَنْ أُصَالِحَهُ عَلَى الدِّيَةِ صَالِحْتُهُ وَ عَفَوْتُ عَنْهُ»

مرد گفت: می‌خواهم او را قصاص کنم، اما اگر شما می‌خواهید که من به همان حق اندک او با وی مصالحه بر دیه کنم و از قصاصش بگذرم من نیز او را عفو می‌کنم.

«قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَ فَمَا حَقُّهُ عَلَيْكَ؟»

امام سجاد فرمود: حق او بر گردن تو چیست؟

«قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَنَيْتَ تَوْحِيدَ اللَّهِ وَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَ إِمَامَةَ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ عَ»

مرد گفت: او یگانگی خدا و نبوت پیامبرش و امامت علی بن ابی طالب و ائمه معصومین را به من آموخت.

«فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَهَذَا لَا يَفِي بِدَمِ أَبِيكَ»

امام سجاد فرمود: آیا به نظرت این کفایت از خون پدرت نمی‌کند؟!

«بَلَى وَ اللَّهُ هَذَا يَفِي بِدِمَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ كُلِّهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ سِوَى الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَئِمَّةِ إِنْ قُتِلُوا فَإِنَّهُ لَا يَفِي بِدِمَائِهِمْ شَيْءٌ»

به خدا قسم که این تعلیم به خون بهای تمام مردم زمین از اولین تا آخرین غیر از انبیاء مرسل اگر کشته شوند می‌ارزد، اما به خون بهای انبیاء مرسلین و ائمه معصومین کفایت نمی‌کند.

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج

2، ص 319، باب احتجاجة ع في أشياء شتى من علوم الدين

وقتی انسان این مسائل را مطرح می‌کند به این معنا که کسانی که واقعاً انسان را با مذهب اهل بیت آشنا می‌کنند و شبهات ذهن انسان را برطرف می‌کنند، نزد اهل بیت (علیهم السلام) ارزشی دارد که انسان اصلاً نمی‌تواند آن را تصور کند.

بنابراین بحث پاسخگویی به شبهات یکی از اساسی‌ترین کارهایی است که ائمه اطهار (علیهم السلام) در طول زندگی خود به آن اهتمام می‌ورزیدند.

ائمه اطهار نیروهای غدر تربیت می‌کردند به طوری که در بعضی موارد می‌دیدند که بهترین نیرویشان نیست، خودشان برای پاسخگویی به شبهات اقدام می‌کردند.

ان شاءالله اگر خداوند به ما توفیق داد در فرصتی مناسب ما چندین جلسه در رابطه با پاسخگویی به شبهات از دیدگاه ائمه اطهار بیان خواهیم کرد.

امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: اگر کسی که قاتل تمام مردم باشد حق آشنا کردن به مذهب شیعه یا پاسخ به شبهات در گردن شما داشته باشد، قابل بخشش هست.

ملاحظه کنید امام صادق (علیه السلام) چهار هزار شاگرد داشتند، اما از این میان تنها به وجود «هشام بن حکم» افتخار می‌کند و می‌فرماید:

«مِثْلُكَ فَلَیْکُمُ النَّاسُ فَاتَّقِ الرَّزْلَةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

مانند تویی باید با مردم بحث کند. از لغزش بپرهیز که شفاعت ما پشت سر توست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 171، ج 4

همچنین در مورد امام باقر (علیه السلام) آمده است:

«أَنْ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَبَاهِي بِالطَّيَارِ»

رجال العلامة الحلی، نویسنده: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، محقق / مصحح: بحر العلوم،

محمدصادق، ص 150، باب 64 محمد الطیار

خیلی مهم است که امام معصوم به وجود «محمد طیار» افتخار می‌کند!! افتخار حضرت از این جهت بود که «طیار» در بحث و مناظره با مخالفین ائمه اطهار خود را به اوج خطر می‌انداخت.

این مباحث باید در فرصتی مناسب مورد بحث قرار گیرد. حضرتعالی این بحث را در خصوص امام سجاد مطرح کردید و باعث شد ما این مطالب را مطرح کنید.

حال که اسم «هشام بن حکم» آمد، لازم می‌دانم مطلبی در این زمینه بیان کنم. یکی از مطالبی که بزرگان ما در رابطه با «هشام بن حکم» آورده‌اند، تعبیر بسیار عجیبی است.

در جلسه‌ای که «هشام بن حکم» با یکی از مخالفین مناظره می‌کند، «هارون الرشید» پشت پرده می‌آید و شاهد مناظره آنهاست. داستان این مناظره بسیار مفصل است و دوستان تنها به حرف «هارون الرشید» نسبت به «هشام بن حکم» دقت کنند.

بنده شاید پنجاه بار این مناظره را مطالعه کردم، اما بازهم آن را مطالعه می‌کنم و هر بار از خواندن آن لذت می‌برم. این مناظره یکی از مناظرات تاریخی در این چهارده قرن بوده است.

«هشام بن حکم» بدون اینکه به آیات و روایات استدلال کند، آنچنان حقانیت امیرالمؤمنین را اثبات می‌کند که «هارون الرشید» در خصوص او می‌گوید:

«فَوَاللَّهِ لَلِلسَانُ هَذَا أَبْلَغُ فِي قُلُوبِ النَّاسِ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ سَيْفٍ»

به خدا سوگند زبان او در قلب مردم از صد هزار شمشیر برنده‌تر است.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج

2، ص 368، ح 5

دوستان عزیز! ما امروز به افرادی امثال «هشام بن حکم» و «مؤمن الطاق» و «قیس بن ماصر» نیاز داریم.

لازم به ذکر است که «قیس بن ماصر» در بحث و مناظره شاگرد امام سجاد (علیه السلام) بود. ایشان واقعاً

هرجایی در حوزه مناظره وارد شد، طوفان به پا کرد!

ما امروزه به افرادی امثال «محمد طیار» نیاز داریم که حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) به وجود او افتخار کنند.

به تعبیر مقام معظم رهبری فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است. ایشان در صحبت‌های چند روز قبل خود فرمودند: ما در فضای مجازی نیاز به افسران جنگ نرم نیاز داریم تا فرصت را از مخالفین بگیرند.

طرح روایت و خواندن روضه هم خوب است و ما منکر آن نیستیم، اما آنچه امروز برای ائمه اطهار (علیهم السلام) و مراجع عظام تقلید و مقام معظم رهبری مهم است افسران ارشد فضای مجازی است تا به شبهات پاسخ دهند.

ما همین امروز جلسه‌ای در حضور اساتید بزرگوار مشهد داشتیم. بنده در این جلسه عرض کردم ما امروز در هر شهر و استان به چندین استاد فرهیخته و توانمند در حوزه پاسخگویی به شبهات نیاز داریم.

ما نیاز داریم عزیزان ما در فضای مجازی و رسانه‌ها وارد شوند و عرصه را بر مخالفین تنگ کنند. مخالفین حرفی برای گفتن ندارند، اما به جهت اینکه میدان را خالی می‌بینند سروصدایی به راه می‌اندازند.

وقتی این افراد احساس کنند کسی در برابر آنها وجود دارد، به دنبال راه فرار می‌گردند. صحبت‌های ما «الکلام یجر الکلام» شد. شاید هم نظر امام سجاد این بود که ما این مباحث را مطرح کنیم. اگر سؤال دیگری هست، ما در خدمت شما هستیم.

مجری:

سلامت باشید، بزرگوارید. بسیار زیبا و متقن در رابطه با حضرت سید الساجدین فرمودید و در ضمن آن به زیبایی و با بیانات شیرین مطالبی فرمودید.

ما فهمیدیم امنیت جانی که داریم بسیار مهم است، اما اگر بخواهیم اهل‌بیتی به آن نگاه کنیم با استفاده از کلام امام سجاد فهمیدیم که امنیت عقیدتی و دفاع از باورهایی که یک شیعه باید به آن معتقد باشد بسیار بالاتر از چیزی است که جان او به او بسته است.

یک فاصله بگیریم و بعد از آن از کلام شیوای حضرت استاد بیشتر استفاده کنیم. میان برنامه‌ای می‌بینیم و برمی‌گردیم.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

تا اینجا برنامه الحمدلله بسیار از محضر حضرت استاد بهره مند شدیم و راجع به حضرت سید الساجدین زین العابدین شنیدیم و چیزهایی که شاید بسیاری مواقع نسبت به آن غافل بودیم.

ما بسیاری از مواقع نام حضرت را به این عنوان می‌شناختیم که امام سجاد شخصیتی بودند که دوران زیادی از زندگی‌شان را صرفاً در سختی گذراندند که قطعاً باید به آن سختی اشاره شود.

چیزی که در ذهن بسیاری از مردم هست، فعالیت علمی یا شاگرد پروری امام سجاد است. الحمدلله دیدیم که چه تأکیدات و سخنان نابی که باید برای تک تک شیعیان سرلوحه و سرمشق قرار بگیرد را از حضرت سید الساجدین شنیدیم.

حال می‌خواهیم به همان نظری برگردیم که بسیاری از ما از آن یاد می‌کنیم و حضرت زین العابدین را به حلم و صبر و بردباری می‌شناسیم.

ما می‌خواهیم راجع به این حلم، صبر و بردباری بیشتر بشنویم. ان شاءالله از محضر استاد استفاده می‌کنیم و گوش می‌دهیم تا ببینیم چه فرمایشاتی دارند.

جلوه ای از حلم و بردباری امام سجاد (سلام الله علیه) در منابع معتبر اهل سنت!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با امام سجاد (علیه السلام) قبل از اینکه به سؤال حضرتعالی پاسخ بدهم، به نکته‌ای اشاره کنم. ما باید درسی از مکتب امام سجاد بگیریم و تلاش کنیم شب‌های میلاد، تنها با برگزاری جشن و مولودی خوانی نگذرد.

امروز با وجود مشکلات مالی که جامعه ما گرفتار آن هستند، الحمدلله دوستان کمیته امداد هم حضور دارند. امروز که بنده ملاحظه می‌کردم، دوستان کمیته امداد در استان سیستان و بلوچستان شش هزار منزل برای افراد مستمند می‌سازند.

بعضی افراد چشم دیدن این اقدامات را ندارند و تنها زبان اعتراض دارند که بگویند دولت برای ما چکار کرده است. ائمه جماعات در نمازهای جمعه این اقدامات را بازگو کنند تا مردم باخبر شوند.

یکی از کارهای مهمی که امام سجاد می‌کردند، این بود که خانواده‌های مستمند و بی سرپرست را شناسایی می‌کردند و شب‌ها بدون آنکه کسی حضرت را بشناسد شخصاً آذوقه و خواروبار در خانه آنها تحویل می‌دادند و کسی حضرت را نمی‌شناخت.

ما در روایات داریم بعد از اینکه امام سجاد از دنیا رفتند، این افراد تازه فهمیدند آقای که چندین سال برای آنها خواروبار و آذوقه می‌داد امام زین العابدین بود.

«شبیة بن نعامه» می‌گوید: حضرت صفر تا صد زندگی صد خانواده را تأمین می‌کردند. این رفتار ائمه اطهار باید برای ما الگو باشد تا امروز با توجه به مشکلات مالی مردم از امام سجاد درس بگیریم.

مجری:

این نوع خصوصیات حضرت کمتر ذکر می‌شود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله. نقل شده است بعد از وفات آن بزرگوار وقتی حضرت را غسل می‌دادند، دیدند در کتف مبارکشان جای زخم است. اطرافیان تعجب کردند که این زخم جای چیست.

زمانی که از امام باقر سؤال کردند، حضرت فرمود: پدرم شخصاً شبانه خواروبار و آذوقه را می‌بست و با طناب بر دوششان می‌گرفت و به خانواده‌ها می‌داد. این زخم جای طنابی است که حضرت به وسیله آن آذوقه را در خانه‌ها می‌بردند.

دوستان عزیز! کسانی که دستتان به دهانتان می‌رسد و امکانات مالی دارید، از این اقدامات الگو بگیرید. ما تنها زبناً نگوئیم که امام سجاد را دوست داریم، بلکه عملاً هم از محضر امام سجاد درس بگیریم و امام سجادی زندگی کنیم.

ائمه اطهار همگی دارای این خصوصیات و کرامات بودند، اما امام سجاد در این خصوصیت همانند جد بزرگوارشان امیرالمؤمنین بودند و یکی از دغدغه‌هایشان این بود که به خانواده‌های مستمند رسیدگی کنند.

«من لا معاش له لا معاد له»

کسی که زندگی ندارد، معاد ندارد.

أعیان الشیعة، نویسنده: السید محسن الأمین، ج 4، ص 216، باب بعض ما یؤثر عنه من الکلمات

القصار

چنین شخصی وقتی اهل و عیالش از گرسنگی رنج می‌کشند، ایمانشان را از دست می‌دهند. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نامه‌ای به «عثمان بن حنیف» می‌نویسند:

«أَأْتُنْعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ»

آیا راضی می‌شوی که به من «امیرالمؤمنین» بگویند، اما در مشکلات مردم سهیم نباشم؟!

«أَبَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بُطُونٌ غَزَيٌّ وَ أَكْبَادُ حَرَى»

یا شب با شکم انباشته از غذا سر بر بالین نهم در حالی که در اطرافم شکم‌هایی گرسنه و جگرهایی تشنه باشد؟!

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 418،

نامه 45

امروز زمان امتحان است و فردای قیامت امیرالمؤمنین میزان است. آیا من و شما در این زمینه چه اقدامی کردیم؟! اگر خدای نکرده یک خانواده به خاطر مسائل مالی به انحراف عقیدتی کشیده شوند، همه ما مسئول هستیم.

حضرت زین العابدین (علیه السلام) سرشار از حلم و بردباری بودند. گاهی اوقات اگر کسی به ما توهین کند، ما تلاش می‌کنیم توهین او را با پنجاه توهین پاسخ بدهیم. به طوری که اگر فردا از ما عذرخواهی هم کنند، حاضر به پذیرش عذرخواهی او نیستیم.

این اخلاق، اخلاق اهل‌بیتی نیست. بنده در این زمینه مطالبی از کتب شیعه نمی‌آورم. در کتاب «تهذیب الکمال» اثر «مزی» متوفای 744 هجری مطلبی در این زمینه نقل شده است. «مزی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است، در جلد 20 می‌نویسد:

«کان علی بن الحسین خارجاً من المسجد، فلقیه رجل فسه»

زمانی که امام سجاد از مسجد بیرون آمد، مردی آمد و هرچه از دهانش بیرون آمد به امام سجاد ناسزا گفت.

«فتار إليه العُتيد والموالي»

تعدادی از دوستان و اطرافیان حضرت قصد کردند به او حمله کنند.

«فقال علی بن الحسین: مهلا عن الرجل، ثم أقبل عليه»

امام سجاد فرمود: کاری با این مرد نداشته باشید.

«فقال: ما ستر الله عنك من أمرنا أكثر»

حضرت فرمود: من گمان می‌کنم خیلی با جایگاه ما آشنا نیستید که اینطور هتاک می‌کنید.

«ألك حاجة نعینک علیها؟»

آیا مشکلی داری تا مشکل تو را برطرف کنم؟

«فاستحیی الرجل ورجع إلى نفسه»

مرد عرب سرش را پایین انداخت و خجالت کشید.

«قال: فألقى عليه خمیصة كانت عليه وأمر له بألف درهم»

امام سجاد کیف پولی که هزار درهم در آن بود را بیرون آوردند و به او دادند و فرمود: این پول را برای زندگی خود خرج کن.

«قال: وكان الرجل بعد ذلك يقول: أشهد أنك من أولاد المرسلین»

نقل شده است این مرد عرب بعد از آن قضیه هرگاه امام سجاد را می‌دید، می‌گفت: شهادت می‌دهم تو از نسل پیامبران هستی.

تهذيب الكمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزني، دار النشر: مؤسسة الرسالة
- بيروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج 20، ص 397، ح 4049

«ابن كثير دمشقي سلفي» شاگرد «ابن تيميه» در كتاب «البدایة و النهایة» جلد 9 هم همین تعبیر را می‌آورد و
می‌نویسد:

«وخرج يوما من المسجد فسبه رجل فانتدب الناس إليه فقال دعوه ثم أقبل عليه فقال ما ستره الله
عنك من عيوبنا أكثر ألك حاجة نعينك عليها فاستحيا الرجل فألقى إليه خميصة كانت عليه وأمر له بألف
درهم فكان الرجل بعد ذلك إذا رآه يقول إنك من أولاد الأنبياء»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -
بيروت، ج 9، ص 105، باب علي بن الحسين

جالب اینجاست که در ادامه می‌نویسد: امام سجاد با «حسن مثنی» که یکی از منسوبینشان بود، سر یک
مسائلی مناقشه کردند و «حسن» به حضرت جسارت کرد. امام سجاد ساکت ماند و زمانی که شب شد، در
خانه پسرعمویش رفت و گفت:

«يا ابن عم إن كنت صادقاً يغفر الله لي وإن كنت كاذباً يغفر الله لك»

ای پسرعمو! اگر نسبت‌هایی که امروز به من دادی در من هست خدا مرا ببخشد و اگر این نسبت‌ها
دروغ بود خداوند تو را ببخشد.

«والسلام عليك»

امام سجاد اینها را گفتند و برگشتند.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج 9، ص 105، باب على بن الحسين

زمانی که «حسن مثنی» نحوه برخورد امام سجاد را دید، خودش خجالت کشید و برای عذرخواهی خدمت حضرت آمد. ما از اینطور قضایا الی ماشاءالله داریم. «مزی» قضیه را بسیار مفصل نقل می‌کند.

مجری:

جالب اینجاست که در بسیاری مواقع ما ترجمان حلم و بردباری را به این معنا می‌دانیم که می‌گوییم: شخصی به ما توهین کند و ما سکوت کنیم و چیزی نگوییم. حال این روایت برای ما معنا می‌کند که به چه معنا باید حلم را تفسیر و تبیین کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ملاحظه کنید در کتاب «تهذیب الکیمال» جلد 20 تعبیری آمده که خیلی عجیب است. ایشان نقل می‌کند که «حسن بن حسن» به همراه دوستانش خدمت امام سجاد آمدند.

«فما ترک أمرا إلا قاله له»

هیچ ناسزایی نبود که به امام سجاد نثار نکند.

«قال: وعلى ساکت»

امام سجاد هم ساکت نشسته بودند.

«فانصرف حسن، فلما كان الليل أتاه في منزله، ففرغ عليه بابه، فخرج إليه»

در ادامه آمده است:

«فقال له علي: يا أخي إن كنت صادقاً فيما قلت لي، فغفر الله لي وإن كنت كاذباً فغفر الله لك السلام عليكم»

ای پسرعمو! اگر نسبت‌هایی که امروز به من دادی در من هست خدا مرا ببخشد و اگر این نسبت‌ها دروغ بود خداوند تو را ببخشد. حضرت خداحافظی کردند و برگشتند.

«فاتبعه حسن فلحقه فالتزمه من خلفه وبكى حتى رثى له»

حسن مثنی به دنبال امام سجاد آمد و به قدری گریه کرد که همانند ماتم زده‌ها شده بود.

«ثم قال: لا جرم لا نحدث في أمر تکرهه»

امام سجاد فرمود:

«وأنت في حل مما قلت لي»

نسبت به توهین‌هایی که به من کردی، تو را حلال کردم.

تهذيب الكمال، اسم المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1400 - 1980، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج 20، ص 397، ح 4049

دوستان عزیز! ما باید قدری دقت کنیم. فردای قیامت اگر کسی در حق ما بدی کرده است ما به خاطر ما به جهنم ببرند، بهشت برای ما نوش جان می‌شود؟!

بنده می‌خواستم سؤال بسیار ساده‌ای از بینندگان عزیز بپرسم. فرض می‌کنیم کسی در حق شما ظلم کرده و شما را اذیت کرده است. خداوند شما را به بهشت می‌برد و او را به جهنم می‌برد.

آیا زمانی که از نعمت‌های بهشتی استفاده می‌کنید، عذاب وجدان نمی‌گیرید؟! آیا با خود نمی‌گویید که من از نعمت‌های بهشتی استفاده می‌کنم و فلانی در جهنم شکنجه می‌شود؟!

آیا این عذاب وجدان نیست؟! آیا خوشمان می‌آید خداوند عالم به خاطر ما بنده دیگری را پای حساب نگهدارد؟!

ما باید قدری دقت کنیم و از اهل بیت یاد بگیریم. اگر یک نفر ظالم است و از ظلمش دست برنمی‌دارد، دستور داده شده که در این صورت نفرین کنیم. آن بحث جدایی است و باید بخواهیم که خداوند عالم ظلم ظالم را از ما دفع کند.

این دنیا فانی است، اما اگر فلان شخص در حق من ظلم کرده است من هم در حق دیگران ظلم کردم.

ما در روایت داریم بنده‌ای را پای حساب می‌آورند. خداوند عالم می‌فرماید: اگر از فلان بنده من بگذری، من هم از تو می‌گذرم. اگر از آن بنده من نگذری، من هم از تو نخواهم گذشت.

مجری:

خیلی زیباست. حضرت زین العابدین به «ابو حمزه ثمالی» آموزش می‌دهند که خداوند را اینگونه یاد کن:

«وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنْبَتِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص 97، الفصل الخامس فی أعمال لیالی و آیام شهر رمضان المبارک

وقتی ما تصور می‌کنیم که امام سجاد با خداوند خود اینگونه راز و نیاز می‌کند، دقیقاً همین رابطه را در اینجا می‌بینیم.

زمانی که باید منتظر یک جرم و عقوبت باشیم، می‌بینیم که امام سجاد به جای آنکه آن عقوبت را انجام بدهند دقیقاً انگار آن فرد حیا کرده است و امام سجاد اینگونه به استقبال این فرد می‌روند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده عرض کردم زندگی این بزرگواران همگی درس است. ما در پاسخگویی به شبهات باید از امام سجاد درس بگیریم و زندگی ما زندگی زین العابدینی و علوی و امام صادقی باشد.

ما در رسیدگی به فقرا و حلم و بردباری و بخشش دیگران هم باید از حضرت درس بگیریم. حضرت تعبیری دارند و می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدِيَ إِلَى فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَ مِنْ مُسِيءٍ أَعْتَدَرَ إِلَيَّ فَلَمْ أَعْذِرْهُ»

الصحيفة السجادية، نویسنده: علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، ص 166، باب 38

امام سجاد نپذیرفتن عذر شخص را گناه می‌شمارند. ما در خدمت حضرتعالی هستیم.

مجری:

بسیار خوب، خیلی زیبا فرمودید. الحمدلله به برکت اسوه دعا و اسوه اطاعت و اسوه طاعت حضرت سید الساجدین زین العابدین حضرت علی بن الحسین (علیه آلاف التحية و الثناء) مباحث ما بسیار باصفا و با معنویت شد.

در بخش آخر برنامه، سؤالات شما را مطرح می‌کنیم یا اگر با برنامه تماس گرفتید، بتوانیم صدایتان را بشنویم. یک فاصله بگیریم، برمی‌گردیم و سؤالات شما بینندگان عزیز را مطرح می‌کنیم.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

بازهم این لیالی فرخنده و این شب‌های پرسرور و پرشادی را بر همه شما تبریک عرض می‌کنیم. ان شاءالله که بتوانیم با صاحب این ایام محشور شویم و مشمول شفاعت آن بزرگواران قرار بگیریم.

تماس بینندگان برنامه:

بدون فوت وقت به سراغ تماس‌های شما بینندگان برویم. جناب آقای بازیار از یاسوج پشت خط هستند. آقای بازیار در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای بازیار از یاسوج - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام و تبریک به مناسبت اعیاد شعبانیه و عید امشب. به جهت اینکه فرصت کم هست، بنده می‌خواهم خیلی سریع دو مطلب را بیان کنم.

استدلال زیبای یک بیننده در کفویت قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)

مطلب اول اینکه می‌خواهم اثبات کنم که حدیث ثقلین که حدیث بسیار محکمی هست، مطابق کامل قرآن کریم هست. مطلب دوم مطلب کوتاهی است که بعد از آن عرض خواهم کرد.

در حدیث ثقلین یکی از مطالب بسیار مهمی که از قول پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان می‌شود، این است که ماترک و ارث پیغمبر اکرم دو چیز هست؛ قرآن کریم و اهل بیت. این دو ارث برای هدایت امت و هم‌تا هستند.

وقتی که دو شیء هم‌تا باشند، باید صفات و ویژگی‌های مشترکی داشته باشند. حال در قرآن کریم ما نگاه می‌کنیم تا ببینیم ویژگی قرآن کریم چیست و ویژگی اهل بیت (علیهم السلام) چیست.

ما می‌خواهیم این مشابهت را ببینیم، سپس ببینیم که حدیث ثقلین دقیقاً مطابق قرآن کریم است. سوره مبارکه عبس از آیه 11 به بعد خداوند در مورد قرآن کریم اینطور می‌فرماید:

(كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ)

هرگز چنین مکن، این (قرآن) یک تذکر و یاد آوری است.

(فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ)

و هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد.

(فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ)

در الواح پرارزشی ثبت است.

(مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ)

الواحي والا قدر و پاکیزه.

سوره عبس (80): آیات 11 - 14

(مَرْفُوعَةٍ) و (مُطَهَّرَةٍ) دو ویژگی بسیار مهم است، به این معنا که قرآن کریم هم مرفوع است و هم مطهر است.

(مَرْفُوعَةٍ) به معنای رفیع‌المقام است، همچنانکه در سوره مبارکه زخرف هم این را توضیح داده و می‌فرماید:

(وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ)

و آن در کتاب اصلی (لوح محفوظ) نزد ما است که بلند پایه و حکمت آموز است.

سوره زخرف (43): آیه 4

نکته دوم این است که قرآن کریم از هرگونه خطا و اشتباه پاک است، زیرا وحی الهی است. حال ما می‌خواهیم

بینیم این دو ویژگی مطابق با قرآن کریم در اهل بیت (علیهم السلام) وجود دارد یا خیر. همه ما می‌دانیم سوره

مبارکه احزاب آیه 33 صراحت دارد:

(إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (33): آیه 33

بنابراین بحث مطهر بودن اهل بیت در این آیه آمده است. بنابراین این صفت اول که مطابق با قرآن کریم که مطهر است، این هم مطهر است و این مشابهت اول است.

مشابهت دوم این است که می‌خواهیم رفیع‌المقام بودن اهل بیت را ببینیم که در کجا آمده است. قرآن کریم در آیه 40 از سوره مبارکه توبه به صراحت می‌فرماید:

(وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا)

و سخن خدا (و آئین او) بالا (و پیروز) است.

سوره توبه (9): آیه 40

یکی از تفاسیر بسیار مهم **(كَلِمَةُ اللَّهِ)** این است که **(كَلِمَةُ اللَّهِ)** به پیغمبر اکرم برمی‌گردد. این قضیه بسیار مهم است، زیرا در آیه 171 از سوره مبارکه نساء ما دلیل داریم. قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ)

مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه (و مخلوق) او است، که او را به مریم القا نمود.

سوره نساء (4): آیه 171

قرآن کریم حضرت عیسی را به عنوان **(كَلِمَتُهُ)** یعنی کلمه پروردگار معرفی می‌کند. پیغمبر اکرم از همه انبیاء الهی بالاتر است، زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

(تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ)

بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم.

سوره بقره (2): آیه 253

پیغمبر اکرم از همه انبیاء الهی بالاتر است. بنابراین بالتبع و بنحو احسن و اکمل کلمه الهی است.

نحو اتم و اکمل آن این است که قرآن کریم در آیه 171 عبارت (كَلِمَتُهُ) و در آیه 40 از سوره مبارکه توبه عبارت (كَلِمَةُ اللَّهِ) را آورده است. در اینجا دیگر ضمیر نیامده و تنها اسم (الله) را می‌آورد. بنابراین پیغمبر اکرم در مقام رفیع و (كَلِمَةُ اللَّهِ) است.

(وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْغُنْيَا)

به این معنا که پیغمبر اکرم بالاست و مقامش رفیع و دینش شکست ناپذیر است.

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا او را بر همه آئین‌ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

سوره توبه (9): آیه 33

بنابراین پیغمبر اکرم و به تبع آن امیرالمؤمنین که نفس پیغمبر اکرم هستند و اهل بیت رفیع‌المقام هستند. قرآن کریم در سوره مبارکه انشراح هم می‌فرماید:

(وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ)

و آوازه تو را بلند کردیم.

سوره شرح (94): آیه 4

بنابراین صفت دوم هم اثبات شد. طبق این آیات الهی اهل بیت (علیهم السلام) هم مطهر هستند و هم رفیع المقام هستند و قرآن کریم هم (مَزْفُوعَةٌ مُطَهَّرَةٌ) است. بنابراین اینها همتا هستند.

مطلب دوم که خیلی کوتاه آن را عرض می‌کنم، این است که وقتی ما داریم پیغمبر اکرم و اهل بیت (کَلِمَةُ اللَّهِ) و عالم به تمام اسماء هستند در سوره مبارکه اعراف آیه 180 داریم:

(وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا)

و برای خدا نامهای نیکی است خدا را با آن بخوانید.

سوره اعراف (7): آیه 180

قرآن کریم «فادعوها» نفرموده است به این معنا که آنها را عبادت کنید، بلکه کلمه (فَادْعُوهُ بِهَا) آورده‌اند به این معنا که آنها را واسطه کنید. وقتی پیغمبر اکرم و ائمه اطهار (کَلِمَةُ اللَّهِ) هستند، این همان اسماء الله است.

بحث توسل در اینجا خیلی زیبا اثبات می‌شود، به این معنا که شما در خانه ائمه اطهار بروید و به واسطه آنها خدا را عبادت کنید نه اینکه آنها را عبادت کنید. با تشکر از برنامه خوبتان، تبریک مجدد، والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

مجری:

احسنتم، جناب آقای بازیار از شما تشکر می‌کنیم که الحمدلله مثل همیشه هم منظم و منطقی بیان کردید و در نهایت هم به نتایج بسیار زیبایی رسیدید. آقا محمد از شهرکرد پشت خط هستند. آقا محمد در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقا محمد از شهرکرد - شیعه):

عرض سلام خدمت شما و حضرت آیت الله قزوینی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

عرض تبریک به مناسبت میلاد سید الساجدین و زین العابدین حضرت علی بن الحسین (علیه الصلاة و السلام) به تمام شیعیان جهان. بنده می‌خواستم سه سؤال بپرسم. آیا وقت هست؟

مجری:

در خدمت شما هستیم، بفرمایید. اگر مختصر بفرمایید ممنون می‌شویم تا بتوانیم پاسخگو باشیم.

بیننده:

بنده قریب به صد سؤال پیدا کردم و ان شاءالله در شب‌های مختلف در برنامه‌های شما آنها را مطرح می‌کنم.

سؤال اول این است که برنامه قبل از «استاد یزدانی» در رابطه با ایمان ابوبکر و عمر بن خطاب پرسیدم. چرا ابوبکر و عمر در ابتدا ایمان آوردند؟! این افراد که ابتدا ایمان آوردند، چطور ممکن است بعداً مرتد شوند؟! «استاد یزدانی» مرا به برنامه شما ارجاع دادند.

سؤال دوم بنده در رابطه با فاصله زمانی بین حضرت عیسی (علیه السلام) و نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است. طبق آیه 19 از سوره مبارکه مائده در این میان پیامبری مبعوث نشد.

همانطور که مسلم است، در روایات متواتر و صحیح وارد شده است که زمین هیچگاه از حجت الهی خالی نمی‌شود. در این چند سال که بین حضرت عیسی و پیغمبر اکرم فاصله افتاد، پیامبری مبعوث نشد. آیا می‌توان گفت زمین از حجت خدا خالی بود؟!

سؤال سوم در رابطه با دو دختر پیغمبر اکرم که اهل سنت ادعا می‌کنند نبی گرامی اسلام این دو دختر را به عقد «عثمان بن عفان» درآورده است.

آیا این قضیه درست است و این دو دختر دختران پیغمبر اکرم بودند؟! اهل سنت ادعا می‌کنند که پیغمبر اکرم نه یکبار بلکه دو بار دخترانش را به ازدواج عثمان درآورده است. تشکر می‌کنم اگر به این سه سؤال پاسخ بدهید.

مجری:

سلامت باشید. آقا محمد از تماس‌تان تشکر می‌کنیم که از شهرکرد با برنامه خودتان تماس گرفتید.

عزیزان اتاق فرمان لطف کنند تماس‌های دیگر را نگهدارند. ما به این سؤالات پاسخ بدهیم و اگر فرصتی باقی بود به مابقی سؤالات شما عزیزان هم خواهیم رسید.

حضرت استاد نسبت به صحبت‌های آقای بازپار اگر نکته‌ای هست بفرمایید والا به سراغ سؤالات آقا محمد برویم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده نسبت به فرمایش آقای بازپار می‌خواهم نکته‌ای را اضافه کنم. ایشان ابتدای امر را خوب وارد شدند، اما در آخر نسبت به اسامی حسنی توضیحاتشان کامل نبود.

در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 144 روایت صحیحی آمده است که ذیل آیه شریفه (وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا) می‌فرماید:

«تَخُنُّ وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»

به خدا سوگند اسماء حسناى الهى ما هستيم.

«الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»

خداوند عالم جز با معرفت ما هيچ عملی را نمی‌پذیرد.

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 144، ح 4

این‌ها همه نکاتی است که ما باید به آن دقت کنیم. فرمایش ایشان خیلی زیبا بود. جمع بندی ایشان، استدلال و کنار گذاشتن مطالب ایشان خیلی خوب بود.

مجری:

اگر این مصداق را هم اضافه کنیم، دیگر کار تمام است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

کنار هم گذاشتن آیات توسط ایشان خیلی زیبا بود، اما اگر روایاتی که در منابع شیعه و اهل سنت آمده است را به این مطالب اضافه کنیم و کاملاً مستدل و مستند کنیم قطعاً تأثیرگذاری آن خیلی بیشتر است.

محمد بن عبد الوهاب: ما تکفیر مسلمانان را از آیات قرآن یاد گرفتیم!!

مجری:

حال سؤال آقا محمد را مطرح کنیم. ایشان در جلسه پیش هم با برنامه «کلمه طیبه» تماس گرفتند و سؤالشان این بود که اگر ما فی الضمیر ابوبکر و عمر ایمان حقیقی نبود، چه نیازی داشتند در آن زمانی که اسلام رشد نکرده بود ایمان بیاورند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر بزرگوارم اولاً خلیفه دوم تا سال نهم و دهم اصلاً مسلمان نبود. ایشان تا آن زمان اسلام نیاورده بود و مسلمانان را هم اذیت می‌کرد. او خواهر و شوهر خواهرش که مسلمان شده بودند را کتک زد که ما کاری با این مسائل نداریم.

ابوبکر هم بعد از پنجاه نفر مسلمان شد و ما این عبارات را قبلاً هم گفتیم. ما کاری با اینها نداریم. سؤال ایشان این بود که چطور شد این افراد بعد از اسلام بازهم مرتد شدند؟!

ما کاری با تمامی مسلمانان که بعد از اسلام و ایمان راه ارتداد را گرفتند، نداریم. ما حدود سی نفر از صحابه پیغمبر اکرم داریم که در کتب اهل سنت نسبت به آنها کلمه «ارتدوا» آمده است. این تعداد از صحابه مرتد شدند و از اسلام بیرون رفتند.

جالب این است که «محمد بن عبدالوهاب» کتابی به نام «کشف الشبهات» دارد. بنده به آقایان وهابی که دائماً سنگ صحابه را به سینه می‌زنند، سفارش می‌کنم کتاب «کشف الشبهات» اثر «محمد بن عبدالوهاب» را ملاحظه کنند.

در این کتاب صفحه 42 آیه 74 از سوره مبارکه توبه را می‌آورد که در رابطه با مسلمانان است و می‌نویسد:

(يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ)

به خدا سوگند می‌خورند که (سخنان زنده در غیاب پیامبر) نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخنان کفر آمیز گفته‌اند، و پس از اسلام کافر شده‌اند

سوره توبه (9): آیه 74

این افراد به خداوند در آنچه گفته‌اند، سوگند می‌خورند. بنده در این رابطه تمام تفاسیر اهل سنت را مستدل دارم، اما الآن فرصت بیان آن نیست.

این قول صحابه است و متعلق به یهودیان و مسیحیان و رافضی‌ها نیست. شیعیان در زمان پیغمبر اکرم رافضی بودند. «محمد بن عبدالوهاب» می‌نویسد:

«أما سمعت الله كفرهم بكلمة مع كونهم في زمن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ويجاهدون معه
ويصلون ويذكرون ويحجون ويوحدون»

آیا نمی‌شنوی خداوند عالم مسلمانان را تکفیر کرده است با کلمه‌ای که در زمان پیغمبر اکرم گفتند، علی‌رغم اینکه در رکاب پیغمبر اکرم جهاد می‌کردند و نماز می‌خواندند و زکات می‌دادند و حج می‌رفتند و موحد بودند؟!

آیه 65 و 66 از این بدتر است و می‌فرماید:

(قُلْ أَلَيْسَ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ)

بگو آیا خدا، و آیات او، و پیامبرش را مسخره می‌کنید. (بگو) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است، چرا که شما پس از ایمان آوردن کافر شدید.

سوره توبه (9): آیات 65 و 66

این آقا می‌پرسد که مگر ممکن است کسی ایمان بیاورد و بعد کافر شود؟! آیات قرآن کریم صحت این قضیه را تأیید می‌کند. «محمد بن عبدالوهاب» در ادامه می‌نویسد:

«فهؤلاء الذين صرح الله فيهم أنهم كفروا بعد إيمانهم وهم مع رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في غزوة تبوك قالوا كلمة ذكروا أنهم قالوها على وجه المزح، فتأمل هذه الشبهة وهي قولهم تكفرون من المسلمين أناسا يشهدون أن (لا إله إلا الله) ويصلون ويصومون»

کشف الشبهات، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب، دار النشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة: الأولى، تحقيق: ناصر بن عبد الله الطريم، سعود بن محمد البشر، عبد الكريم اللاحم، ج 1، ص 174

«محمد بن عبدالوهاب» مفصل می‌گوید: اگر ما مسلمانان را تکفیر می‌کنیم، آن را از آیه قرآن کریم گرفتیم. وقتی ما می‌گوییم غیر از ما همه کافر هستند، فرموده قرآن کریم هست.

مجری:

احسنتم، بسیار خوب. اگر شود خیلی سریع بین فاصله زمانی میان حضرت عیسی و حضرت پیغمبر اکرم توضیحاتی بیان کنید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

برادر بزرگوaram! اوصیاء حضرت عیسی در میان مردم حضور داشتند. ما روایاتی داریم مبنی بر اینکه حضرت ابوطالب از اوصیاء پیامبران گذشته نظیر حضرت عیسی یا حضرت ابراهیم بودند.

اوصیاء پیامبران الهی در روی زمین بودند و مردم را هدایت می‌کردند. درست است پیغمبر نبود، اما حجت الهی در روی زمین حضور داشت.

«وَأَهْلُهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 57،

ص 213، ح 23

مجری:

بسیارخوب، خیلی تشکر می‌کنیم. یک سؤال باقی ماند که ان شاءالله در جلسه بعد آن را مطرح خواهیم کرد.
حاج آقا از محضرتان تشکر می‌کنیم، بسیار استفاده کردیم و بهره مند شدیم.

همچنین از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند تشکر می‌کنم. ان شاءالله در این لیالی شعبانیه ما را در مناجات‌ها
و ادعیه و طاعات خودتان بی نصیب نگذارید. همه ما ملتمس دعا هستیم. تا دیدار آینده خدانگهدار

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته